به نام خداوند جان و خرد

آزمون نوبت دوم درس ادبیات فارسی	**پایه هفتم متوسطه اول**	**مدت امتحان: ۶۰ دقیقه**	**تاریخ امتحان:** **دبیر : ولی پور**
نام و نام خانوادگی :		**پایه و کلاس:** **شماره دانش آموزی :**	
دبیرستان شهید اندرزگو شهرستان سیمرغ		**امتحانات:**	

ردیف	سؤالات	نمره
۱	**ابیات و جملات زیر را به نثر روان برگردانید .** **« معنی شعر و نثر »** الف : ای هست کن اساس هستی کوتَه ز دَرَت دراز دستی ب : از اینان یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد. پ : گر از عهد خُردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من ت : تو را دانش و دین، رهاند درست در رستگاری، ببایدت جُست	۲
۲	**« معنی واژه »** **معنای واژگان زیر را بنویسید.** پیل تن: گُردان: پاره دوز: پوستین: زَنجِره: سَبو: سیما: دستاویز:	۱
۳	**نام پدیدآورندگان آثار زیر را بنویسید .** **« تاریخ ادبیات »** الف: الهی نامه: ب: شاهنامه: پ: لیلی و مجنون: ت:گُل و نوروز:	۱
۴	**« درک مطلب »** **الف : مولانا شاعر ایرانی در بیت زیر به چه مفهومی اشاره دارد؟ توضیح دهید.** قطره ی دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریاهای خویش **ب : مقصود نظامی گنجه ای از بیت زیر چیست؟** همه عالم، تن است و ایران، دل نیست گوینده زین قیاس، خجل **پ: اقبال لاهوری در بیت زیر بر چه موضوعی تاکید دارد؟** خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت	۱,۵

www-kanoon-ir

۵	**« دستور زبان »** **الف : نوع ضمیر های به کار رفته در جمله های زیر را بیابید.** جان پدر! تو نیز اگر بخفتی: هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار:	۱
	ما چو مرغان حریص بی نوا: هست وقت شکفتنت امروز:	
	ب : بن ماضی و بن مضارع را در مصدر های زیر بنویسید.	۰.۵
	خواستن: پرداختن:	
	پ: نقش هر کدام از واژگان را در جمله ها بیابید و بنویسید.	۱
	پروین با شعر فردوسی آشنا شد. همه گِل های عالم آزمودم.	
	ت: زمان فعل های زیر را بنویسید.	۰.۵
	من فردا به شالیزار می آیم. آفتاب بر گل ها و سبزه ها می تابید.	
۶	**« آرایه های ادبی »** **الف : کدام یک از دو بیت زیر آرایه ی تخلص دارد؟ توضیح دهید.**	۰.۵
	سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد	
	به دانش گِرای و بِدو شو بلند چو خواهی که از بد، نیابی گزند	
	ب: آرایه های ادبی (تشبیه، کنایه، جان بخشی و ...) را در بیت ها و جمله های زیر پیدا کنید.	۱
	گرفتم آن گل و کردم خمیری خمیری نرم و نیکو چون حریری	
	از دی که گذشت، هیچ از او یاد مکن فردا که نیامده است، فریاد مکن	
	با نسیمی که زندگی در اوست باز چشم جوانه ای وا شد	
	چو شاخ برهنه، برآریم دست که بی برگ از این بیش، نتوان نشست	
	با آرزوی آگاهی همراه با تندرستی ولی پور	